بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اختلال نظام 2](#_Toc432698373)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc432698374)

[قاعده و دامنه حفظ نظام 2](#_Toc432698375)

[مستند قاعده فوق 2](#_Toc432698376)

[مستند اول 2](#_Toc432698377)

[مستند دوم 2](#_Toc432698378)

[جمع‌بندی 3](#_Toc432698379)

[دریافت های حکم عقل در این باب 3](#_Toc432698380)

[صورت اول 3](#_Toc432698381)

[صورت دوم 3](#_Toc432698382)

[حکم عقل در صور فوق 3](#_Toc432698383)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc432698384)

[عنوان ثانوی بودن حفظ نظام 4](#_Toc432698385)

[جمع‌بندی 4](#_Toc432698386)

[جایگاه قاعده حفظ نظام در بحث حدود 5](#_Toc432698387)

[خدشه در استدلال فوق 5](#_Toc432698388)

[مناقشه اول 5](#_Toc432698389)

[مناقشه دوم 6](#_Toc432698390)

# اختلال نظام

# مرور بحث گذشته

بحث در این بود که برای بحث حد دلایلی وجود دارد که؛ **عن أبی عبداللّه (ع) قال: قال رسول اللّه (ص): إن اللّه عزّ وجلّ جعل لکلّ شیء حدّاً و جعل علی من تعدّی حدّاً من حدود اللّه عزّ وجلّ حدّاً و جعل ما دون الأربعة الشهداء مستوراً علی المسلمین»[[1]](#footnote-1)** اشکالاتی که در این زمینه بود را دفع کردیم و گفتیم خداوند رأی هر عملی حدی قرار داده است و برای متجاوز از آن، حدی مقرر نموده است. دلیل سوم تمسک به‌قاعده اختلال نظام و وجوب دفع هرج‌ومرج بود که مبنای مسائل دیگری فقهی قرارگرفته است که گاهی به وجوب حفظ نظام، گاهی حرمت هرج‌ومرج و گاهی وجوب دفع ما یوجب هرج‌ومرج اطلاق می‌شود.

## قاعده و دامنه حفظ نظام

این قاعده از قواعد کلیدی است که مبنای قواعد دیگری ازجمله ید قرار گفته است. مگر اینکه شرع ما را موظف کرده باشد که نظمی به هم زده شود همانند جهاد که خود برای نظم دیگری است.

## مستند قاعده فوق

این قاعده مستند بسیاری از مسائل دیگری است. اما مستند قاعده وجوب حفظ نظام، عمدتاً دو مورد است؛

## مستند اول

حکم عقل به اختلال نظام قبیح است، او درک مستقلی دارد که هر عملی که موجب ایجاد هرج‌ومرج در جامعه شود، قبیح است کما اینکه عکس آن حسن است.

این امر مصداقی برای قاعده کلی ملازمه حکم عقل و شرع است و ما را به حرمت شرعی اختلال نظام می‌رساند. همانند حسن عدل و قبح ظلم که با صغری و کبرایی به حرمت شرعی ظلم می‌رسیم.

## مستند دوم

دلیل دوم این است که در روایاتی مبنای قواعد دیگر همچون قاعده ید، این قاعده قرارگرفته است که امام فرمودند؛ اگر این نبود برای مسلمین بازاری باقی نمی‌ماند.

لذا حکمی ازجمله این روایت به‌قاعده وجوب حفظ نظام ارجاع داده‌شده است. از این روایات مشخص می‌شود که این قاعده نقش محوری دارد. این دو دلیل، عمده ادله این قاعده است.

## جمع‌بندی

لذا این قاعده مبنای بسیاری از قواعد فقهی دیگر است و دلیل آن دو امر است؛ دلیل اول آن حکم عقلی و با استفاده ملازمه حکم و شرع است. دلیل دوم نیز روایاتی بود که از این قاعده به‌عنوان پشتوانه قواعدی دیگر استفاده‌شده است. نکته دیگری که به آن اشاره شد، این بود که از این قاعده تعابیر مختلفی را به خود اختصاص داده همانند حرمت اختلال نظام که مراد از نظام، نظام اجتماعی است نه نظام اسلام.

## دریافت‌های حکم عقل در این باب

نکته چهارمی که لازم است بدان اشاره شود، این است که؛ در حکم عقل که دلیل اول بود، چند دریافت وجود دارد. یعنی عواملی که در نظام اجتماعی دخیل هستند، چند نوع‌اند؛

## صورت اول

برخی از آن‌ها بودنشان، شرط حفظ نظام است که در صورت فقدان آن‌ها هرج‌ومرج شدیدی حاصل می‌شود مانند قاعده ید که بدین‌صورت است.

## صورت دوم

گاهی نیز رعایت آن موجب بهبود نظامی در جامعه می‌شود و فقدان آن‌چنان ضربه اساسی را در‌ی ندارد همانند قوانین راهنمایی و رانندگی که بدین‌صورت است.

## حکم عقل در صور فوق

در دسته اول عقل حکم می‌کند به اینکه ترک آن قبیح است. لذا در اینجا گفته می‌شود که حفظ نظام واجب است و شرع نیز به ملازمه به این امر حکم می‌دهد. برخلاف مورد دوم که در کلمات متعرض آن نشده‌اند اما حسن آن به نحو استحباب عقلی است نه اینکه به‌صورت منجز عقلی بوده باشد. بعید نیست گفته شود که عقل در اینجا حکم به‌نوعی رجحان می‌کند و ما می‌توانیم به احکام استحبابی یا کراهی برسیم.

## نتیجه‌گیری

بنابراین عقل گاهی حسن و قبح قطعی دارد و در مواردی نیز حالت رجحانی آرد که به سمت‌وسوی استحبابی و کراهت سوق پیدا می‌کند.

## عنوان ثانوی بودن حفظ نظام

نکته بعدی این است که حکم وجوب حفظ نظام، قاعده فقهی کلی و به‌عنوان ثانوی مثل قاعده لا ضرر است. لذا عنوان در اینجا حالت انتزاعی داشته و نوع ذاتی ندارد. عنوان ثانوی می‌تواند قابل‌تفکیک باشد و مفهوم ماهوی برای فعل خاصی نیست که علی‌الاصول می‌تواند از مصادیق نیز جدا شود.

آن‌طور که به یاد دارم آقای مکارم این بحث را مطرح نموده‌اند. بر اساس همین گفته می‌شود که واجب است افرادی روبه قضاوت بیاورند. اما چون از اهمیت بالاتری برخوردار است بیشتر بر آن تأکید شده است، هرچند ممکن است باگذشت زمان این نیاز کاهش یا دچار تغییراتی شود. باید توجه شود که این قاعده اولیه است و ممکن است عناوینی به وجود آید که این حالت به هم بخورد که حالت اهم و مهم شکل می‌گیرد.

مانند آنچه در زمان انقلاب بود که دستور به نظم اجتماعی داده می‌شد اما به خاطر مصلحتی اجتماعی به هم ریختن آن اشکالی نداشت و حتی ممکن است واجب شود.

## جمع‌بندی

لذا این قاعده با عناوین دیگر در موارد تزاحم می‌تواند به هم بخورد.

## جایگاه قاعده حفظ نظام در بحث حدود

دلیل سوم در کلمات بسیاری از فقها همین قاعده است که وقتی در شرع حدود و مقرراتی قرار داده شد و این حدود مبنای زندگی اجتماعی قرار گرفت، تعدی به آن‌ها به نحوی مخل به‌نظام اجتماعی است و چون حفظ نظام واجب است باید تمهیداتی اندیشید که آن رعایت شود. لذا هرچه موجب حفظ نظام شود، واجب خواهد شد.

لذا همه مقدماتی که حفظ نظام بر آن‌ها منوط است، واجب خواهد بود. بنابراین یکی از عوامل حفظ نظام اجتماعی، اعمال حدود در قبال متجاوزین به حدود و قوانین الهی است.

### خدشه در استدلال فوق

این استدلال از جهاتی مرود مناقشه قرارگرفته که عمدتاً در جامع المدارک، در المنظور و حضرت آقای تبریزی حفظه الله این خدشه صورت گرفته است اما از ظاهر کلام سایرین استفاده می‌شود که آن را پذیرفته‌اند.

### مناقشه اول

یک مناقشه که ظاهر کلام آقای تبریزی است، این بوده که دلیل شما اخص از مدعاست. ظاهر کلام ایشان این است که اصل این قاعده را قبول دارند اما در اینجا نمی‌تواند مدعا را ثابت کند چراکه واجبات و محرمات شرعی دو قسم‌اند؛ برخی از آن‌ها در حفظ انتظام امور دخالت دارد مانند شایعه‌پراکنی، دزدی، اقدامات خلاف امنیت. اما قسم دوم مواردی است که این‌گونه نیستند مانند حسادت.

حال واجبات و محرمات از مقوله عناوین اولیه یا ثانویه باشند، فرقی در حکم بیان‌شده وجود ندارد. لکن مدعای ما در اینجا نسبت به ترک همه واجبات و انجام همه محرمات است که دلیل با مدعی همخوانی ندارد و حکم تنها مورد اول را دربر می‌گیرد.

### مناقشه دوم

مناقشه دم به نحوی در کلام آقای گلپایگانی و به نحوی در کلام آقای خوانساری بیان‌شده است که؛ حفظ نظام واجب و اختلال بدان حرام است اما این حفظ نظام در محدوده ایست که خود شرع تعیین نموده است که حدود مقرره، تعزیرات مشخصه و امربه‌معروف و نهی از منکر است.

یعنی حفظ نظام نباید از چارچوب تعیین‌شده شرع خارج گردد. ایشان ولایت مطلقه را قبول ندارند لذا چنین دیدگاه و خدشه‌ای را وارد نموده‌اند.

1. وسائل الشیعه، ج 18، ص 310. [↑](#footnote-ref-1)